

## نفت و فرهنگ

### معرفی کتاب

#### مدل سازی حوضه رسوبی

بیش از ۱۰۰ سال از عمر فعالیت‌های اکتشاف و تولید نفت در ایران می‌گذرد، طی این سال‌ها میدان‌های نفت و گاز متعددی در نواحی مختلف کشف شده و در حال حاضر نیز فعالیت‌های اکتشافی برای کشف میدان‌های جدید در جریان است. برخی از این میدان‌ها عمر تولید و بهره‌برداری شان، رو به پایان است و به مرور زمان دچار مشکل کاهش تولید شده‌اند. با توجه به نیاز

روزافزون صنعت نفت به تولید نفت و گاز و در نظر گرفتن مشکلات یاد شده، استفاده از فن‌آوری‌های نو برای دستیابی به اهداف جدید اکتشافی و توسعه کامل‌تر میدان‌های تولیدی، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است، از این‌رو مدل‌سازی سیستم‌های نفتی می‌تواند، کمک شایانی در این زمینه باشد.

کتاب «مدل‌سازی حوضه رسوبی» تالیف رایا مطوریان و محمدرضا ملاپری است که به همت مدیریت منابع انسانی شرکت ملی نفت ایران در سال ۱۳۸۸ به چاپ رسیده است. این اثر، نخستین کتاب در زمینه مدل‌سازی حوضه‌های رسوبی و بی‌جوبی اهداف اکتشافی به زبان فارسی است.

نگارندگان در پیشگفتار کتاب حاضر، نیاز صنعت نفت کشور به کشف منابع هیدروکربنی جدید با حداقل خطرپذیری عملیات اکتشافی، هزینه‌ها و همچنین ضرورت امر تحقیق در مورد روش‌های جدید اکتشافی را از مهم‌ترین دلایل تحریر «مدل‌سازی حوضه رسوبی» عنوان کرده‌اند.

تالیف این کتاب، گامی در جهت ارتقای دانش علمی دانشجویان، زمین‌شناسان و مهندسان اکتشاف نفت است که با زبانی ساده به بحث در زمینه مبانی مدل‌سازی پدیده‌های حاکم بر حوضه‌های رسوبی می‌پردازد. کلیات و مبانی مدل‌سازی حوضه رسوبی؛ مدل‌سازی تاریخچه زمین‌شناسی؛ مدل‌سازی حرارتی؛ اتراسیون حرارتی ماده آلی؛ مدل‌سازی زایش، کراکینگ و بیرون‌راندگی پترولیوم؛ مدل‌سازی کامپیوتری حوضه رسوبی و آنالیز خطرپذیری اکتشاف، هفت فصل کتاب «مدل‌سازی حوضه رسوبی» را تشکیل می‌دهد.

### شعر همکاران

رفته رفته به روزهای پایانی سال ۸۸ نزدیک می‌شویم و کوچک‌ها و خیابان‌ها مملو است از خودرو و عابر پیاده، صدای ممتد بوق اتومبیل‌ها از یک سو و دود و دود ماگروز آن‌ها از سوی دیگر اسباب اذیت و آزار مردم را فراهم ساخته است.

همه این مسائل اگرچه باعث رنجش خاطر بسیاری از هموطنان می‌شود، اما گویا بیشترین تاثیر خود را در کلمات سراسر شهد و شکر **کمال عبداللهی**، شاعر خوش ذوق و همکار پرتلاش ما در پالایشگاه اصفهان کمان ساخته است. همواره شما با آقای عبداللهی به بخش‌هایی از «شهر ما» سفر می‌کنیم:

#### «شهر ما»

شهر ما آلوده و پرود شد

راه‌های شهر ما مسدود شد

هر کجا پا می‌گذاری خودرو است

عده‌ای فرسوده و برخی نواست

شهر اکتون غرق دود و دم شده

سهم ما از سبزه و گل کم شده

شهر مسموم از منواکسید گشت

گاز پدبو در فضا تصعید گشت

مصرف بنزین ما از حد گذشت

دود و دم از مرز صدر صد گذشت

حال باید اسب‌ها را زین کنیم

چاره‌ای در مصرف بنزین کنیم

گرچه خودرو ساختن سودآور است

لیک سودی این چنین سوزآور است

زود قرمز باید شهر را مترو کشید

خط قرمز بر سر خودرو کشید

کاش می‌شد تیرگی را خاک کرد

کاش می‌شد آسمان را پاک کرد

رودخانه، تیره و پر رنگ شد

جا برای ماهیان هم تنگ شد

فاضلاب صنعتی در عمق آب

قعر دریا را نموده منجلاب

انفجار مخزن بوپال هند

کشت صدها تن کنار رود سند

از خروج گازها در چرنوبیل

شهرها پر شد ز منجروح و علیل

چون هوایمای زیادی اوج داشت

سر عتش بر روی شیشه موج داشت

کار با رایانه هم آسان نبود

رنج و دردش قابل درمان نبود

گاه می‌نالیم من از درد کمر

گاه از سر گیجه‌گه از درد سر

صندلی‌هم در نشستن ریسک داشت

احتمال ابتلا به دیسک داشت

دست من هر گاه روی موس رفت

صاف بود اول ولی در قوس رفت

چشم‌هایم مشکلی در دید داشت

احتمالاً ب مروراید داشت

از صنایع شهرها در سختی‌اند

این صنایع سایه بدبختی‌اند

چون هوا و آب و خاک آلوده شد

جسم و جان هم بعد از آن فرسوده شد

پر شد از آلودگی‌ها ریه‌ام

ختم باید کرد شکوایه‌ام

نمره در شش دقیقاً بیست بود

هر که در فکر محیط زیست بود

با محمدسعید سبهبانی ،نویسنده «لاله‌های گرمسیری»

# مردی از روزگار سرخ

**چمران اهواز** از مقطع کارشناسی ارشد ادامه داد. سبهبانی امروز نامی آشنا برای نفتی‌هایی است که با «لاله‌های گرمسیری» او همراه شده‌اند و با «فرهنگ شعار انقلاب اسلامی» اش به روزهای خوب پیروزی سفر کرده‌اند. با این نویسنده نفتی که در حال حاضر رئیس مرکز مشاوره خانواده بهداشت و درمان نفت اهواز است گفت‌وگوی کوتاهی انجام دادیم که در ادامه می‌خوانید.

آن‌ها نشود تا جایی که حتی اسم اشخاص نیز تغییر نکرده است. یکی از ویژگی‌هایی که برای این کتاب پرشمرده‌اند روان بودن و سادگی زبان داستان هاست. استفاده از گویش‌های محلی یکی دیگر از جذابیت‌هایی است که دوستان برای لاله‌های گرمسیری دانسته‌اند و معتقدند این باعث شده تا خواننده گام به گام با شخصیت داستان همراه شود و در فضای داستان قرار گیرد. داستان «نار سرخ» در فراخوانی که وزارت علوم داده بود، مقام دوم کشوری را کسب کرد. «بهبشت چزابه» داستان دیگری از مجموعه ۱۰ داستان «لاله‌های گرمسیری» در جشنواره فرهنگی «دوران طلایی» مرکز مقاومت بسیج وزارت نفت، مقام نخست خاطرهنویسی داستان «لاله‌های گرمسیری» در جشنواره

فرهنگی «دوران طلایی» مرکز مقاومت بسیج وزارت نفت، مقام نخست خاطرهنویسی داستان «لاله‌های گرمسیری» در جشنواره گرفت و من از دست رئیس جمهور تندیس ویژه دریافت کردم.

**مطالعات تان بیشتر در چه زمینه‌ای است و ایثار جدیدی در دست چاپ دارید؟**
من به دلیل علاقه‌ای که به رشته تحصیلی و تدریسی‌ام یعنی روان‌شناسی دارم، اغلب کتاب‌های مربوط به روان‌شناسی را مطالعه می‌کنم و در نظر دارم با توجه به برداشت کلی از کسانی که برای گرفتن مشاوره به مرکز بهداشت و درمان نفت مراجعه می‌کنند، مجموعه‌ای از روش‌های ساده و اجرایی مهارت‌های زندگی چون کنترل اضطراب،

**مطالعات تان بیشتر در چه زمینه‌ای است و ایثار جدیدی در دست چاپ دارید؟**

من به دلیل علاقه‌ای که به رشته تحصیلی و تدریسی‌ام یعنی روان‌شناسی دارم، اغلب کتاب‌های مربوط به روان‌شناسی را مطالعه می‌کنم و در نظر دارم با توجه به برداشت کلی از کسانی که برای گرفتن مشاوره به مرکز بهداشت و درمان نفت مراجعه می‌کنند، مجموعه‌ای از روش‌های ساده و اجرایی مهارت‌های زندگی چون کنترل اضطراب،

نگاهی به نمایش گالیه به کارگردانی داریوش فرهنگ

## بگو که خورشید ثابت است



#### آرزو عطایی

برآمده است.

بازی دیگر بازیگران این نمایش همچون مسعود کرامتی، رحیم نوروزی و نعمت اسداللهی و خود داریوش فرهنگ قابل قبول و در برخی موارد، همچون بازی نوروزی در نقش گلدینی عالی و دلنشین است. طراحی صحنه و لباس، موسیقی و نورپردازی خوب از کارآمده و در مجموع مزاحم‌اجرا نیست. همچنین تضاد رنگ‌ها در صحنه به خوبی رعایت شده و بر جذابیت کار و جلب توجه تماشاگر و تمرکز روی نقش‌ها افزوده است.

هدایت و کارگردانی نمایشی با حدود ۳۰ بازیگر کار پیچیده‌ای است که فرهنگ به خوبی از عهده آن برآمده است. اگر چه در بعضی موارد، اجراها تصنعی است و لطمه زیادی به کار زده(همچون زمانی که دلفک برای دادن میکروفن به روی صحنه می‌آید یا زمانی که صدای داریوش فرهنگ برای بازخوانی تاریخ زندگی گالیه پخش می‌شود) و نیز زمان طولانی نمایش که به نظر می‌رسد حتی با کم شدن چیزی حدود ۲۰ دقیقه از زمان آن، به روایت اثر آسیبی نمی‌رسید و موجب تند شدن روند آن می‌شد، اما «گالیه» در مجموع اثری قابل قبول و تماشاگرپسند است.

گالیه دانشمندی که اکثر مردم با داستان پافشاری او بر عقیده‌اش در مورد گردش زمین به دور خورشید آشنا هستند، در سال ۱۵۶۴ در وینا واقع در ایتالیا متولد شد. ماجرای کشف گالیه از آن جا شروع شد که در یکی از

**آقای سبهبانی چه چیزی باعث شد به نوشتن روی بیاورید؟**

جنگ مشتی زندگی بود. دیدن آدم‌هایی از جنس خاک و بیگانه با تعلقات خاک، دیدن آن همه ایثار و از خودگذشتگی آدمی را شیشه انسانیت می‌کرد. سخن گفتن از آن روزها و به تصویر کشیدن پایمردی غیورمردان این کهن بوم به راستی کاری دشوار می‌نمود. اولین بار نبود که به ثبت وقایع و مشاهدات خودم فکر می‌کردم. قبلاً هم این کار را کرده بودم، زیرا معتقدم مستندنویسی نقش مهمی در حفظ فرهنگ یک کشور دارد. اما راستش تا چند سال پیش هیچ وقت به چاپ دست‌نوشته‌هایم به عنوان کتاب فکر نکرده بودم. سال ۸۷ بود که تصمیم گرفتم دست‌نوشته‌های مربوط به دوران انقلاب یعنی «فرهنگ شعار انقلاب اسلامی» را چاپ کنم و امسال هم نوشته‌هایم راجع به وقایع و اتفاقات زندگی شهدای نفت را در قالب داستان‌های کوتاه به تحریر درآوردم که نتیجه آن کتاب «لاله‌های گرمسیری» است.

**تا به حال نقدی روی کتاب‌های تان نوشته شده و یا این‌که آثار تان در جشنواره خاصی عرضه شده‌است؟**

وطیفه نقد همان‌طور که از نام آن پیداست جدا کردن سره از ناسره است و رسالت آن در واقع کمک کردن به ارتقای کیفیت آثار است. می‌توان گفت، شیوه بیان داستان در لاله‌های گرمسیری نسبتاً جدید است، به این دلیل که داستان‌ها کاملاً مستند هستند و سعی شده کوچک‌ترین دخل و تصرفی در

«خواب هزاران ساله را آشفتن، بی‌توان نیست، بگو که آسمانی نیست، بی‌ترس، بگو که زمین می‌چرخد، بی‌ترس، بگو که خورشید ثابت است و تابان، بی‌ترس ... بگو که نگفتنت جنایت است و تاریخ جانیان را نخواهد بخشید...»

نمایش گالیه به کارگردانی داریوش فرهنگ، این‌گونه آغاز می‌شود، با عباراتی که همسرایان در ابتدای نمایش، آن‌ها را بر زبان می‌رانند، کسانی که با ماسک‌هایی بر صورت، گالیه را تشویق به گفتن حقیقت می‌کنند، اما همه آن‌ها زمانی که او به در دسر می‌افتد و در شرایط اضطرار قرار می‌گیرد، فراموشش می‌کنند و هیچکس با او همراه نمی‌ماند. اگر چه او برای حفظ جانش، ناگزیر می‌شود عقاید خود را انکار کند، اسادر آخرین لحظه، با گردش پایش به روی زمین بازم نشان دهد که زمین به دور خورشید می‌گردد. در حقیقت نقاب‌هایی که در این نمایش بر چهره بازیگران قرار دارد، نماد انسان‌هایی دو رو است که بر عقیده خود پایدار نیستند و هر روز به رنگی درمی‌آیند. دوستان همراهان خوبی برای گالیه نیستند و در نهایت او را تنها می‌گذارند. اما سال‌ها بعد تمامی مردم دنیا به تحسین گالیه پرداخته و ضمن عذرخواهی رسمی مقامات از او، عقیده او را مبنی بر گردش زمین به دور خورشید تایید می‌کنند.

گالیه برای همه مردم دنیا فردی شناخته شده است؛ دانشمندی که به مبارزه با در راه علم پرداخت و به‌رغم